

نقش راهبردی قوه قضائیه در اقتصاد مقاومتی

جلال ریزانه^۱، محمدجواد فاضلی^۲

چکیده

در واقع فراهم کردن بستر فعالیتهای سودمند و مشروع اقتصادی و از آن سو جلوگیری از فعالیتهای غیر مشروع و مخرب نسبت به کلیت اقتصاد کشور، یکی از وظایف مهم نهادهای حاکمیتی به‌ویژه قوه قضائیه است. البته شکی نیست که اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، آن‌گونه که مورد توجه و تأکید خاص سران‌دار انقلاب است، نیازمند همسویی و هم‌افزایی قوای مجریه و مقننه نیز هست. در این میان، به جهت حوزه‌ی مأموریت‌ها و اهداف کلان، نقش دستگاه قضایی در اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. در این نوشتار پس از اشاره‌ای مختصر به اقتصاد مقاومتی، به بررسی وظایف قوه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است؛ و در آخر به الزامات و بسترهای مورد نیاز برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در سایر بخش‌های قوه قضائیه نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، استقلال قضایی، رشد اقتصادی، قوه قضائیه

مقدمه

یکی از مهم‌ترین بایسته‌های قوه قضائیه که خود ظرفیت ساز هم می‌باشد ناظر به اصل تأمین امنیت اقتصادی در کشور است البته برای کسانی که به دنبال فعالیت سالم اقتصادی هستند و از آن سو تردیدی نیست که مقابله هوشمندانه و در عین حال مقتدرانه با مفسدین اقتصادی رانت‌خواری‌ها انحصارطلبی‌ها و امتیازات ویژه از جمله اساسی‌ترین رسالت‌های دستگاه قضایی است.

در واقع فراهم کردن بستر فعالیتهای سودمند و مشروع اقتصادی و از آن سو جلوگیری از فعالیتهای غیر مشروع و مخرب نسبت به کلیت اقتصاد کشور یکی از وظایف مهم

۱ دکتری رشته آینده‌پژوهی پژوهشگاه شاخص پژوه، jamalri_3@yahoo.com

۲ کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه خوارزمی تهران، javadfazel67@yahoo.com

نهادهای حاکمیتی به‌ویژه قوه قضاییه است. البته شکی نیست که اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آن‌گونه که مورد توجه و تأکید خاص سکان‌دار انقلاب است نیازمند هم‌سویی و هم‌افزایی قوای مجریه و مقننه نیز هست. در این میان به جهت حوزه‌ی مأموریت‌ها و اهداف کلان نقش دستگاه قضایی در اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. به‌عبارت‌دیگر و با توجه به این‌که قانون اساسی رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات تعدیات و شکایات نظارت کردن بر حسن اجرای قوانین کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی مشروع و اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را از جمله وظایف قوه قضاییه برشمرده باید گفت که این قوه به نوعی تبیین‌کننده اقتصاد مقاومتی است که آن را در مجرای صحیح و مورد انتظار خود قرار می‌دهد.

به‌صورت دقیق‌تر و جزئی‌تر باید گفت علاوه بر همکاری و هماهنگی لازم با دولت و مجلس رفع موانع از طریق بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری ایجاد امنیت لازم قضایی برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی کمک به مجلس و دولت در آسیب‌شناسی و رفع مشکلات و اعتماد ملی است موانع سیستم‌های بانکی مالیاتی و گمرکی مبارزه جدی و عملی با مفاسد و مفسدان اقتصادی که جرم اصلی‌شان اختلاس است.

هماهنگ‌سازی و بسیج دادسراها و دادگاه‌ها و ایجاد شعب اختصاصی رسیدگی‌کننده به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران و رفع موانع و مشکلات قضایی آنان، بازرسی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین از طریق سازمان بازرسی کل کشور و ابطال بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف قانون از طریق دیوان عدالت اداری، جلوگیری از فعالیت اقتصادی رانت‌ها و شبکه‌های غیرقانونی و سابقه‌دار در جرائم مالی و اقتصادی و... از جمله موضوعاتی هستند که قوه قضاییه می‌تواند در اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرینی کند. به هر صورت آنچه مهم است این‌که نقش دستگاه قضایی در راستای تحول و پویایی اقتصاد مقاومتی یک نقش بی‌بدیل است؛ اقتصادی که به تعبیر مقام معظم رهبری در شرایط فشار در شرایط تحریم در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد. اگر ما قائل به این هستیم که مقاوم بودن اقتصاد بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی حمایت از تولید ملی مدیریت هوشمند مصرف ارکان اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد بی‌گمان باید تصریح داشت که انجام حمایت‌های قانونی و قضایی در این باره و نیز مقابله با

ناهنجاری‌ها و مفاسد در این راستا در پرتو وجود یک قوه قضائیه مقتدر و قاطع و دقیق اهمیت و ضرورت صدچندانی می‌یابد؛ از یاد نبریم که استفاده حداکثری از زمان منابع و امکانات که یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود بدون نقش‌آفرینی فعال دستگاه قضا اساساً میسر نخواهد بود.

اقتصاد مقاومتی

تعریف

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند.

مهم‌ترین اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:

مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار فعالیت‌های غیرمولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوء استفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند.

مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها

محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقاء می‌یابد. خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خوداتکایی برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارت‌اند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند؛ مالیات و درآمدهای ترانزیتی و... و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچک‌تر...

اولویت‌بندی شرکای تجاری ایران

کشورهای منطقه و نیز کشورهایی با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگ‌تر، پایداری بیشتر خواهد داشت.

فرهنگ‌سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مسئله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند

تأثیر استقلال قضایی بر اقتصاد مقاومتی

اقتصادهای پرتطرفدار بازار به دولت‌های قوی وابسته هستند که حقوق مالکیت خصوصی و انتقال داوطلبانه آن‌ها را تأمین می‌کند. باین‌حال، قدرت دولت می‌تواند بزرگ‌ترین ضعف آن باشد؛ اما اگر این قدرت برای حمایت از حقوق مالکیت خصوصی استفاده نشود، می‌تواند دولت را تضعیف کند و حتی باعث از بین بردن حقوق شهروندان خود شود (Weingast، ۱۹۹۳).

یک وعده ساده برای احترام به حقوق مالکیت خصوصی در آینده، قابل اعتماد نخواهد بود؛ شهروندان می‌دانند که پس از سرمایه‌گذاری، دولت انگیزه‌ای برای وعده‌های خود و حفظ شهروندان ندارد. در چنین محیطی، یک قوه قضائیه مستقل می‌تواند همه شرایط را بهتر کند. برای اینکه نمایندگان دولت به وعده‌های خود عمل کنند، سرمایه‌گذاری اضافی (سرمایه فیزیکی و انسانی) می‌تواند منجر به افزایش درآمد و رشد و همچنین افزایش درآمد مازاد دولت شود. به نظر می‌رسد که سیاستمداران منطقی باید مدت طولانی را برای استقلال قضایی صرف کنند. باین‌حال، یک وعده دادگستری مستقل ممکن است برای ایجاد سرمایه‌گذاری اضافی کافی نباشد تا زمانی که سرمایه‌گذاران بالقوه اعتقاد نداشته باشند که قوه قضایی واقعاً بی‌طرفانه است، ممکن است رفتار سرمایه‌گذاری خود را تغییر ندهند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که استقلال قضایی می‌تواند بر قضاوت قضات تأثیرگذار باشد و نتیجه آن در تحقیقات نیز کاملاً مشهود است.

اما بررسی این موضوع که آیا استقلال قضایی نیز به رشد اقتصادی منجر می‌شود، دو شاخص استقلال قضایی معرفی شده است: (۱) شاخصی که بر پایه‌های قانونی استقلال قضایی تمرکز دارد (۲) شاخص واقعی که بر میزان مقبولیت استقلال قضایی تمرکز دارد. با استفاده از نمونه‌ای از ۶۶ کشور، در یک مدل اقتصادسنجی که شامل ۶۶ کشور است میزان رشد واقعی تولید ناخالص داخلی را بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۸ را با استقلال قضایی و کنترل‌های استاندارد توضیح می‌دهد و تخمین می‌زند. در حالی که استقلال قضایی تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی ندارد، اما استقلال قضایی عملاً از رشد تولید ناخالص داخلی مثبت برخوردار است.

اهمیت حیاتی استقلال قضایی برای رشد و توسعه اقتصادی

استقلال قضایی نشان می‌دهد که قضاوت می‌تواند انتظار داشته باشند که تصمیماتشان بدون در نظر گرفتن شرایط خاص در کوتاه‌ترین زمان اجرا می‌شود. این امر به این معنی است که قضاوت، صرف‌نظر از تصمیمی که به اجرا می‌گذارند، نباید عواقب منفی را در نتیجه تصمیمات خود پیش‌بینی کنند.

سه موقعیت متقابل و مختلف که در آن‌ها استقلال قضایی مهم است قابل تشخیص است: (۱) اختلاف بین شهروندان: اگر طرفین قرارداد به طور داوطلبانه وارد قرارداد شده و یکی از طرفین معتقد باشد که طرف دیگر قرارداد را اجرا نکرده است، حل اختلاف بی‌طرفانه مهم است. تا زمانی که هر دو طرف انتظار دارند که قوه قضائیه بی‌طرف باشد، می‌توانند در زمان معامله، هزینه‌های معامله را ذخیره کنند. به‌طور متوسط هزینه‌های معاملات پایین‌تر منجر به افزایش معاملات بیشتر خواهد شد.

(۲) اختلاف بین حکومت و شهروندان: شهروندان نیاز به یک سازمان دارند که بتواند تصمیم بگیرد که چه کسی طبق قانون عمل کرده است. قوه قضائیه علاوه بر تصویب قانون اساسی جدید، باید بررسی کند که آیا نمایندگان دولت به دنبال ابزارهای رویه‌ای هستند که حاکمیت قانون را حفظ کنند. همچنین اگر قوه قضائیه مستقل از قوه مجریه و مجلس نباشد، شهروندان به حاکمیت قانون اعتماد نخواهند کرد.

(۳) مناقشه بین شاخه‌های دولتی مختلف: در صورت عدم وجود یک داور بی‌طرفانه، درگیری‌های میان شاخه‌های دولتی به احتمال زیاد توسعه می‌یابد، در میان بسیاری از وظایف دولت، کاهش عدم قطعیت از اهمیت حیاتی برخوردار است. با این وجود، اگر

شهروندان انتظار داشته باشند که قانون توسط نمایندگان دولت دنبال می‌شود، عدم اطمینان آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

به این ترتیب، قوه قضاییه مستقل می‌تواند به عنوان مرجعی که به حقوق مالکیت و جلوگیری از سلب مالکیت، احترام می‌گذارد تفسیر شود و اگر این امر محقق گردد، شهروندان در یک افق بلندمدت میزان سرمایه‌گذاری و همچنین استفاده از تخصص را افزایش می‌دهند و موجب رشد اقتصادی و توسعه می‌شوند.

ظرفیت‌های قانونی قوه قضاییه در تحقق اقتصاد مقاومتی

مسیر آینده اقتصاد ایران با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گره خورده است و متأثر از این سیاست‌ها خواهد شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی سال ۹۶، با اشاره به تلخی‌ها و شیرینی‌های سال گذشته برای سال جدید دو نقطه کلیدی و اصلی را مشخص کردند این دو نقطه عبارت است از تولید داخلی و اشتغال، اما به منظور حرکت در این مسیر و تحقق شعار سال اهتمام چند وجهی بین دستگاه‌ها و قوای سه گانه بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد، این در حالی است که دستگاه قضا با انجام حمایت‌های قانونی و قضایی از سرمایه‌گذاری‌های مشروع و حل مشکلات فعالان اقتصادی از طریق داوری و... نقشی بی‌بدیل در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. بدون تردید یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه در حوزه صنعت و اقتصاد کشور فراهم کردن محیط سالم و امن کسب و کار برای فعالان اقتصادی بخصوص تولیدکنندگان و به موازات این امر مهم نظارت بایسته و ژرف در راستای نیل به اصل تأمین امنیت اقتصادی و برقراری آن در بالاترین سطح استاندارد در کشور است. در واقع فراهم کردن بستر فعالیت‌های سودمند و مشروع اقتصادی و از دیگر سو جلوگیری از فعالیت‌های غیر مشروع و مخرب نسبت به کلیت اقتصاد کشور، یکی از وظایف مهم نهادهای حاکمیتی به‌ویژه قوه قضاییه است. با توجه به اینکه قانون اساسی، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات، نظارت کردن بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی مشروع و اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را از جمله وظایف قوه قضاییه برشمرده، بنابراین قوه قضاییه در این عرصه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. توجه به محیط کسب و کار و ضرورت بهبود آن، محصول تجارب متعدد و هزینه بر بسیاری از کشورهای جهان در مسیر توسعه بوده است. بدین ترتیب که پس از ناکامی در اعمال

سیاست‌ها و مدل‌های توسعه اقتصادی همچون تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی در برخی کشورهای جهان سوم، توجه محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاران اقتصادی از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی به موضوع «محیط کسب‌وکار» جلب شده است.

رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار برای تحقق رشد و توسعه اقتصادی این است که خصوصی‌سازی، اعطای وام به طرح‌های تولیدی و ایجاد زیرساخت‌ها برای رشد مستمر سرمایه‌گذاری کافی نیست؛ چرا که در بسیاری از کشورها با وجود اجرای به نسبت کارآمد همه سیاست‌های یاد شده، بخش خصوصی داخلی و خارجی اشتیاقی برای سرمایه‌گذاری از خود نشان نداد. از این‌رو اهمیت و نقش کارکرد نهادهای قضایی در محیط کسب و کار امروزه در تمامی مطالعات جهانی از این کسب‌وکارها و البته خارج از کنترل آن‌ها بدانیم، دادگاه‌ها و به طور کلی قوه قضائیه، تأثیری چشمگیر در محیط مذکور ایفا می‌کنند. برجسته‌ترین تأثیر عملکرد قوه قضائیه، به حمایت از حقوق مالکیت و تضمین اجرای قراردادهای و به طور کلی، تحقق حاکمیت قانون باز می‌گردد. مهم‌ترین حرکت در راستای حمایت از تولید ملی و جهاد اقتصادی، نهادسازی قانونی و مدنی و ایجاد تشکلهای متناسب با این حرکت بزرگ در جامعه است. در ادامه به تعدادی از ظرفیت‌های قوه به‌طور اختصار اشاره می‌کنیم:

(۱) اخذ اعتبار

دودسته از چارچوب‌ها می‌توانند دسترسی به اعتبار را تسهیل کرده و تخصیص آن را بهبود بخشند، سامانه‌های اطلاعات اعتباری و حقوق قانونی وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان را قادر می‌سازد تا سابقه مالی اعتبار گیرنده بالقوه را ببینند (مثبت یا منفی) اطلاعات ارزشمندی که برای ارزیابی ریسک در نظر گرفته می‌شود. سامانه‌های اطلاعات اعتباری همچنین این امکان را برای وام‌گیرندگان به وجود می‌آورد تا با ایجاد یک سابقه اعتباری خوب، دسترسی آسان‌تری به منابع اعتباری داشته باشند. قوانین محکم و مستدل، صاحبان کسب‌وکار را قادر می‌سازد تا از دارایی‌های خود بخصوص اموال منقول، به‌عنوان وثیقه برای ایجاد سرمایه استفاده کنند. این در حالی است که ارتباط مستقیمی بین حقوق قوی اعتبار دهندگان و نسبت میزان اعتبار بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

(۲) حمایت از سهامداران خرد

موضوع حمایت از سهامداران خرد از این نظر برای شرکت‌ها مهم است که می‌توانند از این

طریق توانایی خود را برای افزایش سرمایه مورد نیاز برای رشد، نوآوری، متنوع‌سازی و رقابت بالا ببرند. اگر در قوانین چنین حمایت‌هایی دیده نشده باشد، سهامداران خرد ممکن است تمایلی به سرمایه‌گذاری نداشته باشند مگر اینکه آن‌ها در زمره سهامداران کنترل‌کننده شرکت قرار بگیرند.

۳) حمایت از تولید و بخش خصوصی

ضرورت حمایت هوشمندانه و هدفمند از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، ایجاد فضای شفاف و سالم در واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گری به بخش خصوصی و نظارت هوشمندانه بر رعایت حقوق عمومی و خصوصی و تبیین سیاست‌های متنوع صادراتی و تلاش برای تنوع روزافزون محصولات صادراتی را یادآور شد.

۴) حمایت متقابل هم‌زمان و هوشمندانه

ایجاد سامانه جامع حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تولیدکننده با رویکرد تضمین کیفیت محصولات و خدمات و رضایت بخشی متقابل تولیدکننده و مصرف‌کننده از جمله اقدامات دیگری است که ضرورت دارد دنبال شود. پایین بودن سطح کیفیت کالاها و خدمات به مصرف‌کنندگان واسطه‌ای و نهایی و نبود امکان نظارت جامع، مستمر و به روز، ایجاد سامانه هوشمند نظام حمایت از مصرف و تولید را از جمله الزامات انگیزشی جامعه برای تحقق اقتصاد مقاومتی دانست. هدایت و راهبری هماهنگ سازمان‌های نظام صنفی بخش‌های مختلف به منظور بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های بخش خصوصی و یکپارچه‌سازی سازمانی سازمان‌ها با مأموریت مشابه و مرتبط برای تحقق اقتصاد مقاومتی نیز بسیار حائز اهمیت است.

۵) حل‌وفصل ورشکستگی

یک نظام مستحکم ورشکستگی به‌عنوان فیلتری عمل می‌کند که ادامه حیات شرکت‌های اقتصادی کارآمد را تضمین کرده و منابع شرکت‌های ناکارآمد را باز توزیع می‌کند. سرعت بالا و هزینه پایین رسیدگی به دعاوی ورشکستگی منجر به بازگشت سریع فعالیت‌های اقتصادی به وضعیت عادی بهره‌برداری شده و میزان بازگشت سرمایه بستانکاران را افزایش می‌دهد. از طریق افزایش انتظارات بستانکاران و بدهکاران نسبت به نتایج رسیدگی به دعاوی ورشکستگی، نظام‌های ورشکستگی دارای عملکرد صحیح، می‌توانند

دسترسی به منابع مالی را تسهیل کرده، تعداد بیشتری از شرکت‌های مقاوم را نجات داده و در نتیجه رشد و پایداری را در کل اقتصاد تقویت کند.

۶) تشخیص صلاحیت سرمایه‌گذاران

اشخاص حقوقی می‌توانند بیشتر از مؤسسان خود عمر کنند. شرکت‌های ثبت شده به صورت قانونی، به خدمات و نهادهای مختلفی، از دادگاه‌ها گرفته تا بانک‌ها و همچنین بازارهای جدید دسترسی دارند و کارمندان آن‌ها می‌توانند از حمایت‌های ارائه‌شده توسط قانون بهره‌مند شوند.

عملکرد مناسب و حمایت قضایی دادگاه‌ها به صاحبان کسب‌وکار کمک می‌کند تا بازارها و شبکه خود را توسعه دهند. ولی در اینجا باید افراد سالم سرمایه‌گذار و تولیدکننده شناسایی شوند تا قوه قضائیه بازیچه دست برخی از سودجویان و اشخاصی که به‌نوعی با مقاصد خاص و به لحاظ وجود ارتباط با بانک‌ها و نهادهای سیاسی اقدام به کسب تسهیلات بانکی می‌نمایند و در بخش‌های تولیدی و صنعتی به‌کار نمی‌گیرند نشود تا سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم را از دست ندهد.

وظایف حاکمیتی قوه قضائیه در اقتصاد مقاومتی

۱) مبارزه جدی با فساد و رانت‌خواری

فساد و مبارزه با آن امروز در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به‌عنوان یک مسئله اساسی موردنظر است. مهم‌ترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و شامل محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های صنعتی، کنترل قیمت‌ها، نرخ‌های چندگانه ارزی، دستمزدهای پایین در خدمات دولتی، تجاری و ذخایر منابع طبیعی مانند نفت است. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و درنهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. اساسی‌ترین سیاست‌های مبارزه با فساد اقتصادی عبارت‌اند از:

اصلاحات اقتصادی شامل ایجاد نهادهایی بدین منظور، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه دولت در اقتصاد، حسابرسی مالی دقیق شرکت‌های دولتی می‌شود. استقلال رسانه‌های ارتباط جمعی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی، اصلاح فرهنگ.

بر اساس ادبیات معتبر اقتصادی، فساد و رانت جویی سبب می‌شود تا انگیزه‌های کار، تولید و سرمایه‌گذاری در کشورها از بین برود و فضای کسب‌وکار ناامن شود. از این رو یکی از الزامات مهم اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر اساس بند ۱۹ مبارزه جدی قوای سه‌گانه با موضوع فساد و رانت‌خواری و رانت جویی است.

تجربه سایر کشورها نشان داده است در آن دسته از کشورها که بخش دولتی حضوری بسیار پررنگ در اقتصاد دارد و به اصطلاح دولت حجیم است، درجه فساد و رانت جویی نیز بیشتر است و ایران نیز از این امر مستثنی نیست. پس از انقلاب اسلامی و با گسترش حجم دولت در اقتصاد زمینه‌های بیشتری برای بروز فساد و رانت جویی در کشور فراهم گردید به نحوی که بخش خصوصی در رقابت با بخش دولتی در فعالیتهای اقتصادی زمین‌گیر شد. بدیهی است تا زمانی که عزمی جدی برای ریشه‌کن کردن یا حداقل کردن این دو مقوله در مجموعه حاکمیت وجود نداشته باشد نمی‌توان امیدوار بود که بخش غیردولتی حضور فعالی در صحنه داشته باشد. چرا که در فضای رقابتی، وجود فساد و رانت‌های اقتصادی، سبب از دور خارج شدن آن دسته از بنگاه‌هایی می‌شود که رابطه غیر رسمی با نهادهای تأثیرگذار دولتی ندارند. بنگاه‌های یاد شده چون می‌دانند که برخی دیگر از بنگاه‌ها می‌توانند با شرایط سهل و آسان‌تری، با استفاده از انواع رانت بر درآمد خود افزوده و هزینه‌ها را کاهش دهند، از عرصه خارج شده و یا به این عرصه وارد نمی‌شوند. هر حاکمیت سیاسی قانونمند و مردم‌سالار، مبارزه با فساد را از اصلی‌ترین وظایف خود تلقی می‌کند، مبارزه با فساد از چند بعد اهمیت دارد:

- ۱) از نظر سیاسی با تضمین و کسب مشروعیت نظام‌های سیاسی پیوند خورده است.
- ۲) از نظر اخلاقی اولویت هر جامعه سالم به حساب می‌آید.
- ۳) از لحاظ اقتصادی و بوروکراتیک، کارآمدی حاکمیت‌ها بشدت متأثر از کاهش سطح فساد موجود در آنها و توانشان برای مبارزه با فساد است.

نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای تأسیس، مبارزه با فساد را یکی از اهداف مهم خود بر شمرده و در یک دهه گذشته نیز بر این امر تأکید بیشتری نموده است. در ادبیات کشورمان سابقه چند پیام از بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و رهبر معظم انقلاب وجود دارد که مبارزه با فساد را جزو اهداف اصلی نظام دانسته و مورد تأکید قرار داده‌اند.

۲) تعامل و هماهنگی بین قوای سه گانه و بخش‌های اقتصادی

بسیج تمامی ظرفیت‌های ملی، به خصوص همراهی و همدلی در سه بخش خصوصی، تعاونی دولتی می‌تواند ضمانت اجرایی لازم را برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم نماید. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به قوای سه گانه ابلاغ گردیده است و آن‌ها مسئول مصلحت نظام که نقش اساسی در تدوین این سیاست‌ها داشته است، می‌تواند علاوه بر نقش نظارتی با ارائه راهکارهای تکمیلی، تداوم و ضریب تضمینی اجرای آن‌ها را قدرت و قوت بیشتری ببخشد. در همین راستا ایفای ۲۶ نقش نظارتی مجلس شورای اسلامی در اجرای دقیق و مطلوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و هم‌فکری نمایندگان در این خصوص بسیار مفید و مؤثر است.

قوه قضائیه نیز ضمن اجرای مسئولیت قضایی خود در جلوگیری از فساد رانت‌خواری، ویژه خواری، زد و بندها و استفاده نکردن صحیح احتمالی مالی و مدیریتی، می‌تواند در اجرای دقیق و عادلانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نقش مهمی ایفا نمایند. قوه قضائیه می‌تواند در جهت مبارزه با فساد لایحه جامعی را آماده و جهت تصویب از کانال وزارت دادگستری تقدیم مجلس نماید.

۳) شفافیت قوانین

وضعیت قانونی کشور یکی از عوامل مهم در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. درجایی که قوانین مالی و اقتصادی حدود مشخص داشته باشند. بخش خصوصی با رغبت و اطمینان بیشتری به سمت بخش دولتی و تحویل گرفتن فعالیت‌ها از این بخش متمایل می‌گردد. برعکس هر جا که دولت‌ها حکومت مطلقه داشته باشند و یا آنکه سابقه مصادره اموال و سلب مالکیت وجود داشته باشد، مردم نسبت به اصالت جریان واگذاری، تردید بیشتری خواهند داشت و این بی‌اعتمادی در نهایت موجب کند شدن فرآیند واگذاری و افزایش رانت و فساد خواهد بود. در اقتصادهای توسعه‌یافته نظام‌های قضایی کارآمد، مجامع کاملاً مشخص قانونی و کارگزارانی از قبیل وکلا، داوران و میانجی‌گران را شامل می‌شود و شخص تا حدی اطمینان دارد که ماهیت دعوای حقوقی بر نتایج تأثیر خواهد گذاشت و نه منافع شخص؛ اما در اقتصادهای در حال توسعه و عقب‌مانده، اجرا نه فقط به علت ابهام آموزه‌های حقوقی بلکه به علت نامعلوم بودن رفتار کارگزاران قطعی نیست.

باید توجه داشت که ما در بسیاری از زمینه‌ها در کشور، کمبود قوانین و مقررات نداریم بلکه مسئله اساسی این است که قوانین موجود به درستی اجرا نمی‌شوند یا آن قدر پیچیدگی دارند که افراد را در درک قانون با مشکل مواجه می‌کنند. مثلاً وجود قوانین و مقررات بیش از حد برای سرمایه‌گذاری و اجرای ناکارآمد آن‌ها، سرمایه را به سوی بخش‌های غیررسمی و به اصطلاح زیرزمینی هدایت کرده است. این مسئله خود بر کسری بودجه دولت افزوده و کسری بودجه باعث عدم اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران شده و در نتیجه ناکارآمدی واحدهای دولتی را افزایش داده است. تغییر شرایط و قوانین موجب تغییر سیاست‌ها و بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری می‌شود و در نتیجه شرایطی بخش‌های مولد بیشترین آسیب را خواهد دید.

برای اجرای هر چه دقیق‌تر سیاست‌ها، لازم است قوانین موجود کشور از سادگی و شفافیت لازم برخوردار باشد تا سرمایه‌گذاران با اطمینان خاطر از اینکه حقی از آن‌ها از نظر قانونی ضایع نمی‌شود و وجود تفسیرهای متعدد از قوانین، گاه به ضرر آن‌ها تمام نمی‌گردد، وارد صحنه شوند.

۴) لزوم تربیت مدیران حرفه‌ای

یکی از عوامل مؤثر در افزایش کارآیی سازمان‌های دولتی و خصوصی مدیریت حرفه‌ای است؛ به عبارت دیگر یکی از عوامل ناکارآمدی سازمان‌ها و ادارات دولتی موجود در کشور عدم حضور آن دسته از مدیرانی است که شایسته و کارآمد و درخور باشند. حتی اگر مدیران مناسبی سکان‌دار امور باشند سیستم ناکارآمد دولتی، اجازه اعمال مدیریت مناسب را به آن‌ها نمی‌دهند. هدف مدیران دولتی حداکثر کردن سود بنگاه نیست و از این رو نمی‌توان انتظار افزایش بهره‌وری و کار مفید را داشت. عزل و نصب‌های متعدد در ساختار دولتی باعث می‌شود که مدیران لایق و شایسته، جایگاه حضور در عرصه را نیابند؛ چرا که این افراد به اعتبار شغلی و اجتماعی خود اهمیت می‌دهند و در برخی موارد نمی‌پذیرند در پست‌های پایین حضور یابند؛ بنابراین انتصاب‌ها بایستی بر اساس مکانیزم شایسته‌سالاری تعریف شوند. علاوه بر این بایستی به‌منظور تربیت مدیران لایق و شایسته از میان نسل جدید به هدف جایگزینی با مدیران نسل اول انقلاب که در حال بازنشسته شدن هستند اقدام نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

برای آنکه قوه قضائیه بتواند در زمینه اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور نقش تأثیرگذار و تسهیل‌کننده امور داشته باشد، ضرورت دارد تا بسترهای موردنیاز در این قوه نیز فراهم گردد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

(۱) هماهنگی و پیگیری و پشتیبانی محتوایی از فرآیند فرهنگ‌سازی عمومی جهت پیشگیری از جرائم مالی و اقتصادی توسط رسانه ملی

(۲) ارتقاء دانش و مهارت‌های تخصصی قضات شعب ویژه رسیدگی کننده به پرونده‌ها با موضوع جرائم و فساد اقتصادی

(۳) فعال‌سازی و تقویت شورای حفظ حقوق بیت‌المال و صیانت از اراضی ملی و دولتی با رویکرد پیشگیری از زمین‌خواری و حیف‌ومیل اموال دولتی و با تعیین سازوکارها و دستورالعمل‌های مناسب، خصوصاً پیرامون مستندسازی املاک و سنددار نمودن کلیه زمین‌های کشور بالأخص حدود انفال و اراضی دولتی و رفع اختلافات مالکیتی

(۴) تشکیل کمیته تحقق اقتصاد مقاومتی در قوه قضائیه به ریاست معاون اول قوه قضائیه و با ترکیب رئیس دستگاه‌های وابسته

(۵) نظارت و پیگیری و همکاری قضایی در وصول مطالبات معوقه بانک‌ها، اصلاح رویه‌های جاری اعطای تسهیلات با رویکرد پیشگیری از وقوع جرم مالی و بانکی

(۶) اولویت‌بخشی به پیشگیری با جرائم اقتصادی از قبیل پول‌شویی ناشی از قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز، جعل اسناد اقتصادی، جاسوسی و خرابکاری اقتصادی، کلاهبرداری کلان، رشاء و ارتشاء و ایجاد سازوکار مناسب در جهت تعقیب و مجازات مرتکبین جرائم مالی و اقتصادی با هدف ارتقاء امنیت تولید و سرمایه‌گذاری

(۷) پیگیری جهت تسریع در روند تصویب لایحه آیین دادرسی تجاری و ایجاد دادگاه‌های تخصصی امور تجاری

(۸) پیگیری تحقق مفاد فرمان ۸ ماده‌های مقام معظم رهبری در مبارزه با مفاسد مالی و اقتصادی و پاسخ به مطالبات عمومی در برخورد با مفسدان اقتصادی

(۹) بسترسازی قانونی و توسعه و ارتقاء فرهنگ داوری در دعاوی تجاری

(۱۰) ایجاد سازوکارهایی در کاهش و جلوگیری از اطاله دادرسی پرونده‌های اقتصادی در دادسراها و دادگاه‌ها

(۱۱) بهره‌گیری از تجربیات کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در نقش قضا در امنیت و توسعه اقتصادی

منابع

- ربیعی، مهناز؛ اثر نوآوری و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در ایران؛ مجله دانش و توسعه؛ سال شانزدهم؛ ۱۳۸۸
- رضایی، جواد؛ علیزاده، جواد؛ نادعلی، محمد؛ بررسی رابطه رشد و بهره‌وری کل عوامل تولید و رشد اقتصادی؛ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی؛ شماره دوم سال یازدهم؛ ۱۳۸۵
- پژوهیان، جمشید؛ اقتصاد بخش عمومی؛ موسسه تحقیقی دانشگاه تربیت مدرس تهران؛ ۱۳۷۳
- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶ - ۱۴۰۰)
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران
- Lars P. Feld, Stefan Voigt. Economic growth and judicial independence: cross-country evidence using a new set of indicators. *European Journal of Political Economy* Vol. ۱۹(۲۰۰۳) ۴۹۷-۵۲۷
- Matthieu Chemin. The impact of the judiciary on entrepreneurship: Evaluation of Pakistan's "Access to Justice Programme". *Journal of Public Economics* ۹۳ (۲۰۰۹) ۱۱۴-۱۲۵
- Global Financial Development Report ۲۰۱۶, worldBank, <http://econ.worldbank.org>.